

OCTOBER

۱۰۱

اکتبر

۱۸ مرداد ۱۳۸۵ ۹ اوت ۲۰۰۶ دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (جمه سور)

سردبیر: عبدالله شریفی

از روی آوری بیشتر به سمت حزب الله و دیگر نیروهای ارتجاعی آن جامعه خواهند شد. نیروهای چپ و آزادیخواه جامعه لبنان که اکنون نظاره گر این اوضاعند، به این امید که با تهاجم اسرائیل حزب الله تضعیف خواهد شد، سخت در اشتباهند. بی تفاوتی و عدم دخالت آنان مردم را بیشتر به سمت حزب الله سوق داده و خود آنان را حاشیه ای تر و نا مربوط تر به زندگی و آینده مردم لبنان خواهد کرد. بدون زدن سد مقاومتی در مقابل این اوضاع و بدون اعتراض و حضور چپ و کمونیسم در صحنه سیاست، مردم در هر شرایطی، ناگزیر به نیروهای راست، ارتجاعی و حتی کثیف

تقویت کرده و در سطح منطقه نیز اسلام سیاسی را از گذشته هارتر و لجام گسیخته تر خواهد کرد. با افزایش هر درجه از تخریب محل کار و زیست مردم و در نتیجه آوارگی و

کشورها و نیروهای مختلف بورژوازی میخوانند به خورد افکار عمومی بدهند، کشتار مردم لبنان و مردم اسرائیل در نتیجه جنگی که دولت فاشیستی مذهبی اسرائیل علیه مردم لبنان



راه انداخته است، نه تنها حزب الله را از بین نمی برد که آن را

استیصال بیشتری که به دنبال آن خواهد آمد، مردم لبنان ناچار

صفحه ۳

"نظم نوین جهانی" و تهاجم به مردم لبنان!

حسین مرادبیگی (جمه سور)

جامعه را از هم به پاشانند. ما در چنین نینایی و با چنین اوصافی زندگی میکنیم. تقابل با این وضعیت، علیرغم هر درجه از سیاهی آن، رسالت بزرگی را بر دوش کمونیسم و طبقه کارگر و دیگر نیروی آزادیخواه و بشر دوست در همه کشورهای جهان قرار داده است. طبقه کارگر و بشریت هیچ وقت به این اندازه به کمونیسم و حضور قدرتمند کمونیسم در صحنه سیاست نیاز نداشته است. برخلاف تصویری که میدیای

آنچه که این روزها بعد از مردم عراق بر مردم لبنان میگذرد، گوشه ای از آن سناریوی است که "نظم نوین" جهانی بوش و بلر آن را به مردم جهان وعده داده اند. به خاک و خون کشیدن مردم لبنان در همکاری با فاشیسم اسرائیلی دارد واقعبیت پروژه "خاورمیانه بزرگ" دولت آمریکا را به روشنی برملا میکند. کافی است کسی با اینها مخالفت کند تا مردم آن جامعه را یک جا به خاک و خون بکشند و شیرازه مننی آن

در صفحات دیگر این شماره

سرکوب مردم محکوم است!

در ارتباط سرکوب مردم کردستان عراق و دستگیری تعدادی از رهبری و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق

اعتصاب عمومی مردم کردستان در 16 مرداد سال گذشته تجربه گرانبها و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم

کردستان است! (سعید یگانه)

عبدالله مهدی و "معضل" حکمتیستها!
(عبدالله شریفی)

جواب مردمی که نان و آزادی میخواهند، گلوله است؟!
(مظفر محمدی)

به نجات جان ملک قربانی یک زن محکوم به سنگسار
برخیزیم!
(رهای زن)

گارد آزادی را مورد استقبال گرم خود قرار دادند. جوانان و مردم ضمن ابراز خوشحالی خود از حضور گارد آزادی، با آنان به بحث و گفتگو پرداختند. رفقای گارد آزادی در ادامه ابراز قدرت خود در شهر مریوان، وارد پارک تفریحی شهر مریوان شده و ضمن پخش اطلاعیه های حزب و بیانیه گارد آزادی با تعداد زیادی از مهمانانی روبرو شدند که از دیگر شهرها به شهر مریوان آمده بودند که ابتدا با ناباوری، آنهم حضور مسلح در چنین نقطه ای از شهر، به آنان برخورد میکردند. اما با دیدن و خواندن اطلاعیه های حزب و اطمینان حاصل کردن از این که این نیرو و نیروی گارد آزادی است، با آنان بگرمی وارد بحث و گفتگو شده و سولاتی را که در مورد گارد آزادی داشتند، مطرح میکردند. در پایان از

حضور واحد ۲۰۱ گارد آزادی در شهر مریوان، با استقبال گرم و پر شور مردم این شهر رو برو شد.

حضور یافتند. ابتدا با ناباوری جوانانی روبرو شدند که دور آنان جمع شده بودند. اما این



جوانان با دریافت اطلاعیه گارد آزادی و بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست در مورد جنگ اسرائیل علیه مردم لبنان و اطمینان حاصل کردن از نیروی گارد آزادی، با شور و شوق کم نظیری واحد 201

اطلاعیه فرماندهی گارد آزادی دیشب پنجشنبه پنجم مرداد ماه 1385 برابر با 3 اوت 2006، محلات چهار باغ، دارسیران، بلوار معلم و پارک شهر به مدت یک ساعت و نیم، از ساعت 10 تا 11 و نیم شب، محل ابراز قدرت نیروی مسلح واحد 201 گارد آزادی و دیدار و گفتگو با مردم شهر مریوان و مردم دیگر شهرها بود که برای گذراندن تعطیلات تابستانی خود به شهر مریوان آمده و در پارک شهر مریوان حضور داشتند.

نیروی مسلح واحد 201 گارد آزادی از ساعت 10 شب در محله چهار باغ و پارک شهر که در این محله واقع است،

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعتصاب عمومی مردم کردستان در 16 مرداد سال گذشته تجربه گرانبها و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم کردستان است!

سعید یگانه

در شانزدهم مرداد سال گذشته مردم سراسر شهرهای کردستان ایران از شمال تا جنوب در ادامه یک مبارزه و نبرد یک ماهه با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، در مقابله با سرکوب و شکنجه و اعدام، دست به اعتصاب عمومی زدند و علیرغم تهدید استانداری ها و فرمانداری ها و اوباشان رژیم اسلامی در اکثر شهرها مردم به نشانه اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی در کردستان یکپارچه و متحد در این اعتصاب شرکت کردند و تجربه گرانبهائی را به تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان برای رهائی از شر نکبت اسلامی و برای رفاه و آزادی و برابری افزودند. این اعتصاب که ابتدا با فراخوان کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و سپس فراخوان و دخالت فعال کمیته کردستان حزب حکمتیست راه افتاد، حزب ما در سازماندهی و تشویق مردم برای شرکت در این اعتصاب نقش بدون انکاری

را ایفا کرد. خواست این اعتصاب محاکمه عاملان قتل و کشتار مردم کردستان، آزادی تمام دستگیر شدگان و خروج نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از محل زیست و کار مردم بود. مردم به این فراخوان جواب مثبت دادند و وسیعا در این اعتصاب شرکت کردند، چرا؟! چون، تاریخ مبارزات آزادیخواهانه مردم کردستان لا اقل طی سه دهه اخیر در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی با افکار چپ و سوسیالیستی و آزادی خواهانه پیوند عمیق و ناگسستنی دارد و دیدیم که علیرغم تهدیدات و ارباب اوباشان رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد ترس و وحشت و دولی در میان مردم، و سیاست ارتجاعی و عقب مانده جریانات ناسیونالیست و قوم پرست برای ایجاد تفرقه و سستی در میان مردم راه به جانی نبرد و نتوانست اراده یکپارچه مردم را برای انجام این کارزار در هم شکنند. این اعتصاب چهره مبارزات و اعتراضات مردم کردستان در

این دوره را به اوج خود رساند و قدرت مردم را در مقابل جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت. این اعتصاب و برگزاری با شکوه آن نقطه عطفی بود در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه سه دهه اخیر مردم کردستان و درسها و تجارب زیادی دربر داشت. اتحاد و قدرت یکپارچه مردم در این اعتصاب یکی از جلوه های مهم این رویارویی بود. این اعتصاب نشان داد که تاریخ مبارزه مردم در سه دهه اخیر در کردستان بریستر افکار چپ و سوسیالیستی نشو نما کرده و نسلی از این مردم با این ایده های انسانی به جنگ جمهوری اسلامی و افکار و فرهنگ ارتجاعی و عقب افتاده ناسیونالیستی و قوم پرستانه در جامعه رفتند و خیلی ها در به ثمر رساندن این آرمان انسانی جان باختند. این اعتصاب نشان داد که کردستان حیات خلوت ناسیونالیستها نیست و چپ و کمونیست به این اعتبار قوی و ریشه دار است. مردم در این اعتصاب آزمون دیگری را از سر گذرانند و با

چشم خود دیدند که احزاب ناسیونالیست و قوم پرست تلاش کردند در صفوف مردم تفرقه ایجاد کنند و مانع اعتصاب شوند. این جریانات با بالا بردن پرچم کردستان بزرگ و فدرالیست قومی و شعارهای ناسیونالیستی و ارتجاعی از یک طرف تلاش کردند مسیر مبارزه مردم را منحرف کنند و از این رویداد برای آینده و فدرالیسم قومیشان توشه ای بسازند و از طرف دیگر با فراخوان به تظاهرات و جلو گیر از اعتصاب صفوف متحد مردم را پراکنده کنند. در مقابل حزب حکمتیست با افشای این سیاستها و بسیج و تشویق مردم برای شرکت در این اعتصاب با پرچم آزادیخواهی و برابری جلوه ای دیگر از انسانیت را در این کارزار به نمایش گذاشت. چپ حاشیه ای و بی ربط شده در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران نیز در این رویداد در پی منافع سکتی خود بود که در آن ناکام ماند، از سر منافع فرقه ای خود بجای حمایت از این اعتصاب، مردم را به تظاهرات دعوت کرد و به

ضدیت با حکمتیستها پرداختند، و خود را به آزمونی شکست خورده سپردند. این حزب در این رویداد بی ربطی خود را به منافع مردم نشان داد و عملا علیرغم ادعاهایش در کنار ناسیونالیستها قرار گرفتند. یکی دیگر از بازنده های این رویداد، کومه له بود که علیرغم به میدان آمدن در فراخوان این اعتصاب، علیرغم پیشقدم شدن در ابتدا، اما عملا دنبال منافع حقیر سکتی و سازمانی خود روان شد و از اهداف اجتماعی این اعتصاب دور شد. قدرت ما در اتحاد و یکپارچگی صفوفمان در مقابل جمهوری اسلامی و ارتجاع است. این اعتصاب بار دیگر این را به ما آموخت. برای این اتحاد و مصافهای آینده مان نیاز به پرچمی داریم که انسانیت و برای انسانها فارغ از جنسیت، مذهب و رنگ و هویتهای ساختگی مبنای آن باشد. این پرچم را حکمتیستها در دست دارند. به صف ما به پیوندید.

۸ اوت ۲۰۰۶

سرکوب مردم محکوم است!

در ارتباط سرکوب مردم کردستان عراق و دستگیری تعدادی از رهبری و کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق

مجازات کسائی هستیم که مردم حزب کمونیست کارگری عراق را مورد تعرض قرار داده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۸ اوت ۲۰۰۶

درجه، جان هزاران کودک و نوزاد با خطر جدی مواجه کرده است. هزاران سالمند و مریض در معرض مرگ قرار گرفته اند. مردم از دست این جهنم کلافه شده اند و حق دارند اعتراض کنند. ما قطعانه از خواست های مردم کردستان حمایت میکنیم و خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان و

کادرهای حزب کمونیست کارگری عراق در کردستان را به جرم سازمان دادن این اعتراضات دستگیر و زندانی کرده اند. عدم دسترسی مردم به امکانات اولیه زیستی، عدم دسترسی اکثریت مردم به برق و آب و نفت و گاز، عدم امکان تهیه دارو و درمان در گرمای بالاتر از ۵۰

سه روز متوالی دست به تظاهرات و اقدامات اعتراضی زدند. در مقابل اعتراض مردم، نیروهای مسلح اتحادیه میهنی با توسل به خشونت و گشودن آتش جمعی از معترضین را مجروح و جمع دیگری را دستگیر کرده اند. به دنبال این اعتراضات نیروهای امنیتی پنج نفر از رهبری و

بنا به گزارش حزب کمونیست کارگری عراق، طی چند روز اخیر مردم در تعدادی از شهرهای کردستان عراق، در اعتراض به کمبود برق و آب و مواد سوختی و دیگر امکانات رفاهی دست به اعتراض زده اند. مردم شهر های کفری، چمچمال و دربندیخان در

محلای از شهر مریوان، به این عزیزان درود میفرستد و دست تک آنان را بگریمی میفشارد.

فرماندهی گارد آزادی
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
عبداله دارابی

پنجم مرداد ماه 1358 - سوم اوت 2006

نام شان را میاورند درود میفرستادند. انعکاس حضور نیروی گارد آزادی طی این یک ساعت و نیم به سرعت در شهر مریوان پیچیده و باعث خوشحالی مردمی میشد که از حضور گارد آزادی در محلای از شهر مریوان مطلع میشدند. فرماندهی گارد آزادی و کمیته کردستان حزب حکمتیست، بخاطر جسارت و کردانی رفقای واحد 201 گارد آزادی در انجام حضور قدرتمند و موفقیت آمیزشان در

داریان بود که تاکنون چندین بار شاهد حضور رهبران حزب حکمتیست و سخنرانی هایشان بوده است. جوانان این محله با مشاهده واحد 201 گارد آزادی بسیار خوشحال شده و بگریمی از حضور آنان استقبال کردند. طی منتهی که واحد گارد آزادی در این محلات از شهر مریوان حضور داشت، جوانان و مردم این محلات به گرمی از آنان استقبال کرده و به رهبران کمونیست و محبوب مردم شهر مریوان که

رفقای گارد آزادی به خاطر جسارت و کردانی اشان از حضور در میان مردم به گرمی قدردانی کردند. واحد 201 گارد آزادی در ادامه حضور خود وارد بلوار معلم شدند که در آنجا هم ضمن پخش اطلاعیه های حزب، مورد استقبال گرم تعدادی از جوانان این محله قرار گرفتند. آخرین مرحله از ابراز قدرت واحد 201 گارد آزادی در شهر مریوان، ورود به محله

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

جواب مردمی که نان و آزادی میخواهند، گلوله است؟! مظفر محمدی

عزیز یکی از رهبران حزب کمونیست کارگری عراق را همراه تعداد دیگری از رفقای حزبیش در محل کار و زندگیشان دستگیر میکنند. همزمان تعداد بیشتری از فعالین مردم را نیز روانه زندان میکنند. چرا؟ آیا توطئه ای در کار بوده است؟

زمانکو و رفقایش سالها است صدای حق طلبی و انساندوستی و برابری طلبی کارگران و مردم زحمتکش کردستان عراق اند. به همین خاطر بارها دستگیر و روانه زندان شده اند. او و رفقایش بارها اعلام کرده اند که این طرز اداره جامعه غیر انسانی است. گفته و میگویند که ما مردم از این شرایط تبعیض آمیز و این تبعیت از سیاستهای امریکا خسته شده ایم. تاوان زیادی متحمل شده ایم و میخواهیم این شرایط کار و زندگی فلاکتبار و تحقیر آمیز مردم خاتمه پیدا کند. آنها میگویند غصب و حیف و میل داراییهای جامعه و مردم دیگر بس است. میگویند حتی اگر درصدی از این مفتخوریها و ثروتهای میلیاردی صرف رفاهیات مردم بشود ما مردم حتی یک ساعت هم بدون آب و برق نخواهیم بود. آنها میگویند چرا صاحبان کارخانه سیمان به جای پرداخت حقوق کارگران و پاسخ به خواستههایشان آنها را به گلوله میندند؟ چه کسی به آنها اجازه داده که نیروی مسلح باند سپاهی در کارخانه بگمارد و به کارگران تیراندازی کند؟ چه گستاخی از این بالاتر که امسال جامعه و مردم را تصاحب کنی و بر بالای سر کارگرانی که برده وار کار میکنند نیروی مسلح بگذاری! جالب است که به جای مجازات صاحب کارخانه و صاحب نیروی مسلح در کارخانه، یک تفنگدار اجیر بدبخت مقصر قلمداد شود!

کمونیستها و رهبران و فعالین مردم نه امهائی مخفی پشت

بر هیچ کسی پوشیده نیست که احزاب ناسیونالیست شریک قدرت در عراق و قدرت "مطلقه" در کردستان با نارضایتی و نفرت عمومی از سیاست انتظار و نارضایتی و اعتراض عمیق از زندگی فلاکتبار و قرون وسطایی و حتی محروم از آب و برق روبرو اند. این دیگر توطئه کسی نیست. از کارگر و کارمند و پرستار و دستفروش و بیکار تا کاسبکار جزو و راننده تاکسی و اتوبوس شهری همه و همه از این وضع به ستوه آمده اند. حتی بعضی از نهادهای دولتی احزاب حاکم و بعضی از شخصیتها و مدیانشان با این نارضایتی همراه و همدم شده اند تا بلکه آبی بر آتش خشم مردم بپاشند. اما مردم این شگرد را هم میشناسند و اعتمادی به این به ظاهر همدردی ندارند. مبارزات و اعتراضات جمعی مردم شهرهای کردستان عراق بعضاً خودجوش و سازمان نیافته است. حتی بعضی بی نقشه و بدون رهبر اجتماعی معین است. و به این دلیل بعضاً به عصبانیهائی اجتماعی شبیه است. اما هر چه هست یک جنب و جوش اجتماعی و توده ای است که به دنبال سازمان و رهبری واقعی میگردد.

این رهبران را جز در جبهه چپ جامعه نمیتوان انتظار داشت. این را احزاب حاکم هم میدانند و بارها هم تکرار کرده اند. آنها حضور کمونیستها و فعالین کارگری در صفوف جلو مبارزات کارگران و مردم را به عنوان توطئه و حرکات پشت صحنه مینامند. این هم شگرد بسیار آشنا والبتیه رسوایی است.

پس از سرگوب اعتراضات مردم کلار و چمچل و غیره، در سلیمانیه حتی قبل از اینکه حرکتی اعتراضی شکل بگیرد و مردم به خیابان بیایند زمانکو

عبدالله مهتدی و "معضل" حکمتیستها! عبدالله شریفی

حزب حکمتیست در این مدت وسیعاً به میان مردم رفته است و گسترش یافته است، باید برای عبدالله مهتدی هم تردیدی باقی نگذاشته باشد. مسله در واقع این واقعه مهم است، حضور روزانه رهبران کمونیست مردم و گارد آزادی در شهرهای کردستان. همه شنیده و یا دیده اند که فعالیت این چند ماهه اخیر حاکی از حضور فعال نیروی مسلح گارد آزادی در شهرهای کامیاران، مریوان، سنندج، سردشت، مهاباد و نقده بوده است. جامعه شورانگیزانه متوجه راه حل حکمتیستها شده است. مردم روزانه به سرنوشت خود میندیشند و از سناریوی عراقیزه شدن ایران نفرت پیدا میکنند. مردم روزانه سرنوشت کارگران سیمان سلیمانیه و مردم کفری و چمچال و کرکوک را میبینند، مردم کردستان عراق نمونه خوبی از بی حقوقی و بی اینگی در این سناریو را بدست داده است، مردم، بغداد و بصره و موصل را تجربه کرده اند. مردم دارند به حاصل فلاکتبار عراق می نگرند و آینده خود را ترسیم میکنند. مردم دارند در جهت اجتناب از اوضاعی که بر مردم عراق نازل کرده اند، آگاه میشوند و راه حل جستجو میکنند.

نفوذ تاریخی کمونیسم و آزادیخواهی در جامعه کردستان در ایران پاشنه آشیل جناب مهتدی و همقطاران است. حزب حکمتیست در نوک پیکان امید و آینده انسانی برای اکثریت جامعه و "آزاردهنده" برای این جریانات است که باید مایه هراس دائمی آنها باشد.

این پدیده و رشد و گسترش فعالیت گارد آزادی و حزب حکمتیست کل معضلی است که سازمان مهتدی را به هراس انداخته و او را به تصویرسازی های کاذب و جعل حقایق وا داشته است.

۷ اوت ۲۰۰۶

در سایه ویرانی و کشتار مردم عراق در سایه موشک کروز و عروج محصولات فوق ارتجاعی پنتاگون و نظم نوین بوش و بلر است که تلقیهای سیاسی امکان عرض اندام پیدا کرده اند. کم نیستند جریانات قوم پرست و اسلامی که از قبل کشتار مردم و گرسنگی و بی آیندگی جامعه دارند خاصیتهای خود را می شمارند. ، به همان درجه که مردم عراق مصائب و فلاکت این دوره سیاه را بشمارند جریانات انجمنی که در این مجرا عروج کردند، باید امتیازات و امکانات خود را بشمارند!!

عاریه گرفتن "اینها جمعی معدود هستند" زبان آشنایی است که سه دهه قبل رهبران حزب دمکرات کردستان هم به سازمان کمونیستی کومه له رو به رشد آن دوره میگفتند. لابد داستان "قابلمه نلمه ... " را عبدالله مهتدی خوب بیاد دارد. اما این روش و سنت شناخته شده، اکنون هویت جریانات نظیر سازمان آقای مهتدی را شکل میدهد.

خوب دور و زمانه عوض شده است!! اگر امکانات و شرایط سناریوی کشتار و ویرانی آمریکا نبود حتماً کل جریان مهتدی نیز از فلسفه وجودی تهی میگشت. از نظر مردم و ناظرانی که عقل خود را در مقابل تعصبات کور قومی نیاخته باشند، بدیهی است که هیچگاه حقانیت را با شمارش نسجیده اند، اگر فلسفه زندگی دنیا چنین بود میبایست تا ابد مردم ایران یوغ هولاکوست اسلامی را بخاطر ۹۸ درصد روزهای اول، به گردن میاویختند.

آزیتاسیون قوم پرستانه و نفرت پراکنی علیه جبهه آزادیخواهی و کمونیسم ربطی به قیاس خاصیت های "کردستانی" شدن و نشدن، سازمان آقای مهتدی ندارد. صورت مسله او حضور و نفوذ کمونیسم در کردستان است. همان معضل قدیمی تر اخلاف و زعمای ایشان. اینکه

مدتی قبل کانال تلویزیونی وابسته به جریان مهتدی مصاحبه ای با او ترتیب داد حول "سازمانهای سراسری و سازمانهای کردستانی"، او بار دیگر اندر فواید "کردستانی" شدن سازمان متبوعوش اظهارات کهنه را در قالب "جنید" بیان کرد. مهتدی در متن این اظهار نظر "بدیع" به سیر "موفقیت" آمیز سازمان های کردستانی پرداخت و امکانات و رشد سازمان خود را مدیون تغییر ریل از تفکر سراسری به کردستانی شدن، با آب و تاب تعریف کرد. عیبرغم ژست "آسوده خیالی" سیر و گشت در فضای رشد امکانات، نتوانست کینه و نفرت و هراس خود را علیه کمونیسم و چپ در جامعه کردستان پوشیده نگهدارد. او در این اظهارات به حزب حکمتیست پرداخت و از حزب حکمتیست به عنوان "تجربه شکست خورده جریانات سراسری که تعدادی معدود هستند..." نامبرد.

باید پرسید که چرا در این مقطع زمانی جناب مهتدی به صرافت فواید شماری جریاناتش و "شکست" کمونیسم و آن هم حکمتیستها افتاده است؟! جواب این سوال برملا کننده، پنه صحنه سازی نمایش تلویزیونی داروخته مهتدی را روی آب میندازد.

واقعا تصادفی نیست که در این مقطع زمانی آقای مهتدی به یاد نعمات سازمان قوم پرستش افتاده باشد. عبدالله مهتدی از همه کس بهتر میدانند که سازمانش بر چه پایه و در چه لجزار تاریخی متولد شد. او غافل از این نیست که این حقیقت غیر قابل انکار که امکان داد جریانی مانند سازمان مهتدی متولد شود، دوره سیاه و تباهی است که بشریت در کمتر عصری آن را تجربه کرده است. عبدالله مهتدی درد خود را میداند، میداند به چه امامزاده ای دخیل بسته است. خود عبدالله مهتدی و هم قطاران ایشان میدانند که

نظم نوین و مردم لبنان... از ص ۱

و ارتجاعی نظیر حزب الله در لبنان، روی خواهند آورد. این دیگر الفبای سیاست و دخالت در سرنوشت مردم و جامعه است. تهاجم دولت اسرائیل به مردم لبنان باید فوراً خاتمه پیدا کند. مسئولیت این جنگ تماماً بر عهده اسرائیل است. سران دولت اسرائیل باید به عنوان جنایتکار جنگی محاکمه شوند. ارتش اسرائیل باید فوراً از جنوب لبنان و از همه مناطق اشغالی خارج شود. در گوشه دیگری از این منطقه،

جدال سخت دیگری اما کاملاً متفاوت با جنگ لبنان درگیر است. جنگ 27 ساله جمهوری اسلامی علیه مردم ایران، به "برکت" این وضعیت و به یمن دست بالا پیدا کردن اسلام سیاسی، جمهوری اسلامی ظاهراً فضا را برای اعمال فشار بیشتر بر مردم ایران مناسب یافته است. آمار اعدام‌ها و محکومین به اعدام در ایران بالا رفته است. حکم سنگسار تعدادی از زنان که در نتیجه تلاش سازمانهای مدافع حقوق زنان و مدافع حقوق انسانی و فشار افکار عمومی بین المللی لغو شده بود دوباره صادر میشود. روزنامه‌های بیشتری

هر روز بسته شده و روزنامه نگاران بیشتری دستگیر و تحت تعقیب قرار میگیرند. اکبر محمدی را در زندان می‌کشند، تعداد زیادی از جوانان و مردم در شهر سقر و دیگر شهرهای کردستان را تحت این عنوان که در اعتصاب عمومی شهرهای کردستان در 16 مرداد ماه سال گذشته شرکت داشته‌اند به دادگاه احضار کرده‌اند. امنیت و آزار مردم و جوانان را تشدید کرده‌اند. بر تعداد اخطارها و تهدیدها و احضارها افزوده‌اند. به جستجوی خانه‌های مردم برای جمع‌آوری ماهواره پرداخته‌اند. اخراج و بیکارسازی‌ها را شدت بخشیده

اند. به بهانه خصوصی‌سازیها در تدارک تحمیل فقر و فلاکت بی‌رحمانه‌تری به طبقه کارگر و دیگر مردم محروم‌اند. باید با این وضعیت مقابله کرد. باید در مقابل این شرایط سیاه ایستاد. تقابل با این وضعیت و سناریویی که بوش و بلر برای مردم جهان تدارک دیده‌اند تنها از عهده طبقه کارگر و کمونیستها و نیروی چپ و رادیکال جامعه ساخته است. نیروی چپ و کمونیستی که جلو دار این حرکت نباشند و نتوانند سد محکمی در مقابل این توحش ایجاد کنند، راهی جز زندگی در حاشیه جامعه و باختن صحنه به جریانات

ارتجاعی را نخواهد داشت. کاری جز پخش اعلامیه نخواهد داشت و در بهترین حالت تنها نظاره‌گر اوضاع و مفسر بی‌جیره و مواجب نیروهای بورژوازی خواهد بود. دوباره در جلد کاهنان سرخ پوش معبد تاریخ فرو خواهد رفت. کار ما قرار است نه تفسیر تاریخ که تغییر اوضاع موجود باشد. تمام تلاش ما برای این است. کمونیسم بدون پراتیک آگاهانه برای تغییر وضع موجود، هرچه باشد، کمونیسم طبقه کارگر نیست.

8 اوت 2006

به نجات جان ملک قربانی یک زن محکوم به سنگسار برخیزیم

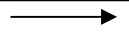
ملک قربانی زنی است که بر اساس حکم صادر شده توسط دادگاه اسلامی ارومیه که اخیراً به وی ابلاغ شده بخاطر رابطه جنسی خارج از ازدواج محکوم به سنگسار شده است. ملک قربانی اهل و ساکن شهر نقده است. همسر و برادر او به نامهای "محمد دانشفر" و "ابوبکر قربانی" که مرد "مظنون" به رابطه جنسی با

ملک را به قتل رسانده‌اند هر یک به 6 سال زندان محکوم گردیده‌اند. در چند سال گذشته در نتیجه تلاش سازمانهای مدافع حقوق زنان و حقوق انسانی و فشار افکار عمومی بین المللی حکم سنگسار تعدادی از زنان در ایران لغو شد تا جایی که مقامات قضایی جمهوری اسلامی توقف این آدمکشی به وحشیانه‌ترین شیوه را در سال 1381 اعلام کردند.

اما دوباره احکام سنگسار زنان از طرف مقامات قضایی نظام منحل جمهوری اسلامی صادر می‌شود. ما از کلیه سازمانهای حقوق زنان و مدافعین حقوق انسانی می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را به سنگسار ملک قربانی بلند کنند. نباید بگذاریم زن ستیزی و زن کشی این نظام بیش از این از زنان قربانی بگیرد.

سازمان رهایی زن تمام تلاش خود را برای لغو حکم سنگسار ملک قربانی بکار می‌گیرد.

سازمان رهایی زن
www.rahai-zan.org
7 اوت 2006



پرده‌اند و نه توطئه‌ای در آستین دارند. آنها فعالین و دوستان و دلسوزان مردم‌اند. آنها سخنگویان میلیونها مردم به جان آمده‌اند. آنها جلوصحنه مبارزات مردم‌اند. حرف آنها خواست دل مردم است. این رهبران مردم را نه به خاطر اینکه توطئه‌ای در آستین دارند بلکه به خاطر این است که نان و آب و برق و آزادی میخواهند، روانه زندان میشوند!

مردم خسته شده‌اند و با صراحت میگویند که یا به خواستهای برحق و نیازهای

اولیه یک جامعه مدنی جواب بدهید و سیاست غصب اموال و سرکوب مردم را خاتمه دهید یا کنار بروید تا مردم خود مستقیماً سرنوشتشان را به دست بگیرند. آیا کارگران کارخانه سیمان تاسلوجه بیشتر شایسته اداره جامعه‌اند یا مفتخوریانی که میلیاردها دلار در آمد مردم را صاحب شده‌اند؟ باید جامعه را به صاحبانش سپرد.

طبقات دارا که نمایندگانشان در احزاب حاکم‌اند همدیگر را به فساد متهم میکنند و یا پرچم ریکارانه پاکسازی فساد را بر میافرازند. اما ریشه کن کردن

هر گونه فساد طبقات دارا تنها در دست کارگران و مردم زحمتکش است. کمونیستها و فعالین و رهبران اعتراض و مبارزه مردم، نمایندگان و سخنگویان مردم برای احقاق حقوقشان هستند. مردم نباید حتی یک ساعت هم در شبانه روز بدون آب و برق باشند. این یک نیازهای حیاتی بشر است که بدون آن زندگی دردناک و غیر انسانی میشود. گرانی سرسام آور موارد خوراکی و سوخت خانه و اتومبیل کمر مردم را خم کرده است. باید به این وضع خاتمه

داد. احزاب حاکم یا بیابند و به این وضع فلاکت‌بار و تحقیر آمیز زندگی مردم خاتمه دهند و امکانات رفاهی زندگیشان را که از کار خود کارگران و از دارایی جامعه است تامین کنند یا جای خود را به رهبران و سخنگویان و نمایندگان واقعی مردم بدهند. چرا باید نمایندگان واقعی مردم در زندان کسانی باشند که مردم را به این حال و روز انداخته‌اند؟! مبارزه و اعتراض جمعی مردم نیاز به سازماندهی و رهبری

دارد و این نه کاری مخفی و پشت پرده است و نه توطئه‌ای در کار است. با دستگیری هر رهبر و فعال و نماینده مردم باید دهها نفر جای او را بگیرند. دستگیر شدن آنها تنها باید فوراً آزاد شوند بلکه باید هر گونه ممانعت بر سر راه سازماندهی مبارزه و اعتراض مردم برای خواستهایشان و برای احقاق حقوق مدنی و اجتماعی و انسانی‌شان برداشته شود.

(۸ اوت ۲۰۰۶)

به کمیته کردستان کمک مالی کنید ، کمک های مالی خود را از طریق ممکن، بدست ما برسانید!

تماس با ما:

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com

Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi_abdollah@yahoo.com

Tel: 00467365226

دستیار سردبیر: اسماعیل ویدی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!